



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

27/08/2013

باید جنایات حکیم شجاعی را مستندسازی کرد!

تشکیل ملیشیاوی محلی، تحت هر نامی که باشد، میتواند به خلق جنگسالار محلی و جنایتکار جنگی منجر شود. مثال های زیادی درین مورد از گذشته ها داریم. بطور مثال عصمت مسلم در کابل، سرکاتب در قندهار، شیر آغا چونگر در هرات و دوستم در جوزجان. رشید دوستم که زمانی بخاطر پرچمی بودن در رأس یک گروپ ملیشیه در جوزجان قرار گرفت، بعدها در نقش گلیم جمع در ولایات مختلف برای دریدن مردم محل فرستاده شد. جنایات جنگی رشید دوستم هنوز در حافظه آناتیکه سن شان بالاتر از چهل سال است، زنده میباشد. حکیم شجاعی نیز ملیشیه ای است که نام پولیس محلی بروی گذاشته شده است. شجاعی نیز با اسلحه دولت آدم میکشد. تیغ چند سره ملیشه های محلی تا هنوز خون همه اقوام افغانستان را ریخته است. درنده خونی حکیم شجاعی نیز با وصف آنکه هنوز محدودیه ولسوالی خاص ارزگان است، بخاطر محدود بودن ضربه اش به افراد متعلق به یک قوم مشخص شامل تعریف امحای نژادی میگردد.

اعمال حکیم شجاعی حاکی از آنست که وی یک مریض روانی است که زندگی صلح آمیز اقوام ولسوالی خاص کنر را شدیداً تهدید میکند. اگر حکومت حامد کرزی خواستار حفظ این زندگی صلح آمیز میبود، باید با دستگیری فوری و مجازات این عنصر خطرناک هم آرامش را به منطقه برمیگرداند و هم به مردم خاص ارگان نشان میداد که قادر به خاتمه دادن به امحای نژادی درین ولسوالی است.

حکومت افغانستان بعوض حل مشکلات ازین نوع بر آنها سرپوش میگذارد و از موجودیت شان انکار میکند. در واقع جنایت را بطور استمراری تولید می کند. این پالیسی باعث بزرگتر شدن مشکلات شده و به جنگسالاری نظیر گلبدین حکمتیار زمینه را مساعد میسازد تا با تبلیغات سیاسی خویش جنگ اقوام را چاق گرداند. طبق آنچه در رسانه ها تا هنوز به نشر رسیده است، حکمتیار در پیام عیدی خود قوم هزاره را تهدید به امحای نژادی نموده و یک بار دیگر جنایات ضد بشری را از طریق اعلامیه و قلم مرتکب می گردد. اگر دولت افغانستان به منافع افغانستان توجه میداشت باید با خاتمه دادن به اعمال حکیم شجاعی ها زمینه بروز نیات شوم را از حکمتیارها سلب مینمود.

شاید این ادعای برخی قربانیان و نمایندگان جامعه مدنی که حکیم شجاعی توسط خلیلی حمایه میشود، نادرست نباشد. همینکه وزیر داخله به "پارلمان" قول میدهد که شجاعی را طی دوهفته دستگیر میکند ولی با وصف گذشتن چندین ماه ریاست عمومی استخبارات و وزارت داخله ریاست عمومی امنیت ملی موفق به یافتن "مخفیگاه" شجاعی نشده اند، واضح میسازد که قدرتی بالاتر از قدرت وزیر ارشجاعی حمایت میکند. حمایت از جانیان توسط معاونین رئیس جمهور امر بر بسابقه هم نیست. سال گذشته دوافسر پولیس بغلان که قاتل یک افسر اردوی ملی بودند، با فرار از عدالت نا پدید شدند و بعدها در یکی از مهماتخانه های ریاست جمهوری دیده شده بودند. فرار معلوم ایشان توسط "مارشال" حمایه میشدند. به همین علت آن قضیه قتل هنوز هم حل نشده باقی مانده است. بعید از امکان نیست که شجاعی نیز در یکی از همان مهماتخانه ها استراحت باشد. ولی استراحت شجاعی دیر دوام نخواهد کرد زیرا صدای مردم ارزگان را اکنون تمام مردم جهان شنیده اند. اگر جنایات شجاعی بشکل دقیق و محکمه پسند مستندسازی گردد، موصوف روزی در داخل یا خارج از کشور محاکمه و مجازات خواهد شد.

(کمیته حقوق بشر فارو)